

راهکارهای حل و فصل اختلافات بین‌المللی در خصوص خسارات ناشی از جنگ تحمیلی

پیام رشیدی

گروه حقوق واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

نام نویسنده مسئول:

پیام رشیدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

چکیده

نیروهای مسلح عراق در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ شمسی با تهاجمی غافلگیرانه و تمام عیار از مرزهای ایران اسلامی گذشته و مسافتی به طول ۱۵۰۰ کیلومتر از نوار مرزی ایران را به اشغال خود درآوردند. این گونه بود که جنگی هشت ساله بر ملت ایران تحمیل شد؛ جنگی که خسارات جانی و مالی بسیاری برای ایرانیان باقی گذاشت. این جنگ که ۲۸۸۷ روز به طول انجامید، ۲۱۳ هزار شهید، ۳۳۵ هزار جانباز، ۴۲۶۱۸ اسیر و ۷۰۰۰ مفقود الاثر برای ایران برجا گذاشت و در اثر آن بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت مادی به کشور وارد شد. با وجود این هزینه سنگین، ملت ایران در دوران دفاع مقدس، آزادی و راست‌قامتی خود را نزد جهانیان به اثبات رساند و تا امروز میهن اسلامی زیر چتر دفاعی حاصل از دوران دفاع مقدس قرار دارد. اما با وجود گذشت ۳۰ سال از زمان پذیرش آتش بس از سوی ایران و قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در این خصوص، پرداخت غرامت به ایران، هنوز این موضوع به نتیجه نرسیده است. در این مقاله سعی می‌شود به تبیین راهکارهایی در جهت حل و فصل اختلافات بین‌المللی در خصوص خسارات ناشی از جنگ تحمیلی پرداخته شود. نوع روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: اختلافات بین‌المللی، خسارت، جنگ تحمیلی، قطعنامه ۵۹۸، حقوق بین‌الملل.

مقدمه

مقررات حقوق بشر دوستانه ریشه تاریخی دارد؛ به طوری که، نشانه‌های آن از نخستین بارقه‌های اجتماع بشری تاکنون وجود داشته است. در این میان جنگ‌ها، از ابتدا تابع مقرراتی است که دولت‌ها، آنها را رعایت و در مواردی نقض کرده اند. نتایج یافته‌های تاریخی نشان می‌دهد، تفکر انسان دوستانه در تمدن‌های بدوی وجود داشته است. حقوق بین‌المللی، برای حقوق بشردوستانه در زمان جنگ اهمیت بسیاری قائل است و در حقوق بین‌المللی به صراحت اعلام شده که کشورها باید حقوق بشر دوستانه را در جنگ‌های داخلی و یا بین‌المللی اجرا کنند. حقوق بشر دوستانه، حقوق قابل اجرا در نبردهای مسلحانه است که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۶۹ و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ مهم‌ترین منابع آن را تشکیل می‌دهد. حقوق بشر دوستانه در سه سطح، از سوی جامعه در برابر کسی که اقدام به جنگ می‌کند، قابل اجرا است.

جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ میلادی)، خسارات بسیاری همانند تلفات انسانی، آسیب گسترده به زیرساخت‌های نظامی و غیر نظامی، کاهش میلیاردها دلار درآمد نفتی و افت ارزش پول ملی به دو دولت درگیر وارد نمود. خاستگاه بروز این جنگ، اختلافات مرزی و ایدئولوژیک میان دو کشور و همچنین، جاه طلبی‌های سیاسی صدام حسین عنوان می‌شود. سرانجام، این جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ میلادی از سوی جمهوری اسلامی ایران، متوقف شد. پس از گذشت مدتها از وقوع تجاوز رژیم بعث عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، همچنان مطالعه راهکارهایی در خصوص خسارات ناشی از آن امری ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله، تلاش می‌شود به تبیین راهکارهایی در جهت حل و فصل اختلافات بین‌المللی در خصوص خسارات ناشی از جنگ تحمیلی پرداخته شود.

نقض مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران در این بخش، دو نمونه از نقض‌های حقوق بشر دوستانه از جانب رژیم بعث عراق در زمان جنگ علیه ایران تشریح می‌شود. رژیم بعث عراق در ایام جنگ، بارها تعهدهای خود را در رابطه با «ممنوعیت کاربرد تسلیحات شیمیایی» و «ممنوعیت تعرض به میراث فرهنگی» نقض کرده است که این امر می‌تواند مسئولیت بین‌المللی رژیم بعث عراق را به دنبال داشته باشد.

ممنوعیت کاربرد تسلیحات شیمیایی

ممنوعیت استفاده و یا تهدید به کاربرد زور در روابط بین‌المللی (بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد) نمونه اعلاای قاعده آمره حقوق بین‌المللی است. همچنین، وظیفه سازمان ملل متحد و رکن اجرایی آن، یعنی شورای امنیت، حفظ امنیت جهانی، مقابله با هرگونه تهدید صلح و اعمال تجاوزکارانه است؛ اما، با وجود این سازمان‌ها، وقوع جنگ‌های مسلحانه امری گریزناپذیر به شمار می‌آید. حقوق بشر دوستانه بین‌المللی که در قالب اسناد و قواعد حقوق بین‌الملل عرف رسمیت یافته، کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ را ممنوع کرده است. سلاح‌هایی همانند بمب اتمی فقرا که تولید و استفاده از آنها به لحاظ فنی و اقتصادی چندان دشوار نیست؛ اما، کاربرد آن قربانیان را زجرکش کرده و قلمرو آثارش غیر قابل کنترل است (زمانی، ۱۳۷۹: ۳۵).

رژیم بعث عراق از اواخر دی ۱۳۵۹ هجری شمسی، یعنی کمتر از چهار ماه پس از آغاز منازعه علیه جمهوری اسلامی ایران، از سلاح‌های شیمیایی استفاده نمود و از زمستان ۱۳۶۱ هجری شمسی تا اتمام جنگ به کاربرد گسترده سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی روی آورد. مسئولان جمهوری اسلامی ایران اعتراض‌های خود را به نقض حقوق منازعه‌های مسلحانه و معاهده‌های بین‌المللی توسط رژیم بعث عراق به شورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم می‌کردند (ولایتی، پایگاه خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۷). باوجود اعتراض‌های مداوم مسئولان جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت و مجامع بین‌المللی مشابه، بر میزان استفاده از سلاح‌های شیمیایی و حمله به مناطق مسکونی روستایی و شهری افزوده شد. براساس نامه ۸۲۷ (به تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۸۸ میلادی) نماینده دائم وقت جمهوری اسلامی ایران به رئیس کنفرانس خلع سلاح، رژیم بعث عراق از ۱۳۵۹ هجری شمسی تا فروردین سال ۱۳۶۷ هجری شمسی بیش از ۲۶۰ مرتبه از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیر نظامی ایرانی استفاده نموده است. نتیجه این استفاده، قربانی شدن ده‌ها، صدها و حتی هزاران انسان در هر حمله است.

نقض فاحش و گسترده حقوق در مناطق اشغالی (زمانی، ۱۳۸۱: ۲۵)، حمله به مناطق غیر نظامی و بدر رفتاری با اسرای جنگی بخشی از جنایات نیروهای نظامی رژیم بعث عراق در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران است؛ اما، آنچه در تمام جنایات نیروهای رژیم بعث عراق جلب توجه می کند، کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیر نظامی ایران است. در میان جنایات‌های گوناگون صدام حسین، حمله‌های شیمیایی به واسطه آسیب‌های گسترده، جایگاه متفاوتی دارد. بر مبنای معاهدات بین‌المللی، تردیدی در خصوص ممنوعیت کاربرد تسلیحات شیمیایی در دهه ۱۹۸۰ وجود ندارد. استفاده از تسلیحات شیمیایی در جنگ با ایران، ناقض قوانین بین‌المللی بوده و گستاخانه‌ترین و غیر انسانی‌ترین اقدام رژیم بعث عراق در جنگ محسوب می شود.

پیشینه کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌های بشری به جنگ جهانی اول باز می گردد. باوجود برخی معاهده‌ها و اسناد الزام آور، تقریباً تمامی دولت‌های درگیر در این جنگ، اقدام به تولید، انباشت و با استفاده از این سلاح‌ها کرده اند؛ به طوری که، بیش از یک میلیون نفر در جنگ جهانی اول آسیب‌های بسیاری متحمل شدند (Javed, ۲۰۰۱: ۴۴). به دنبال خسارت‌های گسترده این جنگ، فعالان جامعه بین‌المللی تلاش کردند که سازوکار مناسبی برای سلاح‌های شیمیایی ایجاد کنند. سند تدوین شده مرتبط، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو «منع کاربرد گازهای سمی، خفه کننده و سایر گازها در جنگ و نبردهای باکتریولوژیک» نام دارد. براین اساس، دولت‌های متعهد اعلام کردند که ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی را به موجب پروتکل ژنو می پذیرند.

البته باید توجه داشت که در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، مقرراتی در ارتباط با ممنوعیت تحقیقات، توسعه، تولید، آزمایش و نگهداری تسلیحات شیمیایی وجود ندارد. همچنین، این پروتکل فاقد هرگونه نظام بازرسی برای تضمین اجرای آن است. دولت ایران و رژیم بعث عراق به ترتیب در سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۱ میلادی، پروتکل ژنو را تصویب کردند.

براساس گزارش‌های جنگ، رژیم بعث عراق سالانه میزان کاربرد تسلیحات شیمیایی را افزایش داده است؛ به طوری که، حمله‌های رژیم بعث عراق با حدود ده حمله در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی جنگ تحمیلی آغاز شد و در سال ۱۳۹۷ هجری شمسی به حدود ۴۵ حمله را در سال رسید.

براساس حقوق بشر دوستانه، کاربرد سلاح‌های شیمیایی در منازعه‌های مسلحانه ممنوع است؛ اما، صدام حسین در جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران از سلاح‌های شیمیایی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های نظامی خود استفاده نمود. نخستین حمله شیمیایی رژیم بعث عراق به ایران در ۲۳ دی ۱۳۰۹ هجری شمسی (۱۳ ژانویه ۱۹۸۱ میلادی) در منطقه ای میان هلاله و نی خزر، در پنجاه کیلومتری غرب ایلام رخ داد. در این عملیات، نیروهای ایرانی هدف حمله شیمیایی نیروهای رژیم بعث عراقی قرار گرفتند. دامنه کاربرد سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۳۹۰ هجری شمسی و جبهه‌های هوپزه، تپه‌های الله اکبر، جسر نادری و خرمشهر توسعه یافت. پس از این حملات، رژیم بعث عراق بارها از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد (درودیان، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

براساس گزارش‌هایی که نهادهای بی طرف تهیه کرده اند، تردیدی وجود ندارد که نیروی نظامی رژیم بعث عراق در جنگ علیه اهداف نظامی و غیر نظامی در ایران، به طور مکرر از سلاح‌های شیمیایی در مناطقی همانند آبادان، فاو، کرکوک، اشنویه، سردشت و حلبچه استفاده کرده است. نتیجه استفاده رژیم بعث عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی، قربانی شدن بیشتر از بیست هزار نفر کشته و مجروح شیمیایی تا سال ۲۰۰۲ میلادی است. یکی از نمونه‌های عملیات شیمیایی، حمله به شبه جزیره فاو است که در آن ارتش رژیم بعث عراق، بیش از صد تن گاز سارین علیه رزمندگان ایرانی استفاده کرد. نتیجه این اقدام، مصدومان بسیاری بود که تا سه ماه پس از حمله، بر تعداد آنها افزوده می شد (UK Report, ۲۰۰۲: ۱۵). در گزارش محرمانه سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) ذکر شده است که رژیم بعث عراق افزون بر گازهای خردل و اعصاب، در سال‌های پایانی جنگ (۱۹۸۸-۱۹۸۹) از گاز سیانید علیه مواضع نظامیان ایرانی استفاده کرده است (3 Central Intelligence Agency, ۱۹۸۸).

استفاده رژیم بعث عراق از این سلاح‌ها در اسفند ۱۳۹۱ هجری شمسی علیه مردم حلبچه نشان داد که سران این رژیم برای حفظ سلطه خویش از کشتار مردم کشور خود ابایی ندارند. حمله به حلبچه، بخشی از عملیات منظم و گسترده شیمیایی ارتش عراق با عنوان «عملیات انفال» بود که به فرماندهی علی حسن المجید، معروف به «علی شیمیایی» به انجام گرفت. وی که پسر

صدام حسین بود، در فاصله زمانی مارس ۱۹۸۷ تا آوریل ۱۹۸۹ میلادی مسئولیت کلیه سازمان‌های کشوری و لشکری را در مناطق شمالی کردنشین عراق بر عهده داشت. به موجب دستوری که علی شیمیایی در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷ میلادی صادر کرد نیروهای تحت امر وی مأموریت یافتند که با استفاده از بمباران‌های شیمیایی، بیشترین تعداد ممکن از افراد حاضر در مناطق ممنوعه را نابود کنند. براساس آمارهای موجود، در عملیات انفال، بیش از صد هزار نفر از غیرنظامیان کرد عراق، کشته و یا ناپدید شدند.

گزارش دولت انگلستان از وضعیت برنامه تسلیحاتی رژیم بعث عراق حکایت از آن دارد که این رژیم در دهه ۱۹۸۰ میلادی و در اوج فعالیت‌های تسلیحاتی خود، عوامل شیمیایی مختلفی همانند عامل تاول زا (گاز خردل) و عامل اعصاب (گاز تابون، گاز سارین و گاز وی ایکس) تولید کرده است (Ibid: ۷۳).

نباید از این حقیقت تلخ غافل شد که عدم واکنش مناسب شورای امنیت در قبال تجاوز نظامی رژیم بعث عراق به ایران، نقش انکارناپذیری در ترغیب اشخاص و دولت‌های دیگر به تجهیز شیمیایی این رژیم داشت.

منابع ایرانی تعداد حمله‌های شیمیایی رژیم بعث عراق را در جنگ تحمیلی هشت ساله بیش از ۲۵۲ مورد ذکر کرده اند. تعداد حمله‌ها و تنوع عوامل شیمیایی در این جنگ بی سابقه بوده است؛ به طوری که، در این مدت بیش از صد هزار ایرانی بر اثر حملات شیمیایی مجروح شدند و یا به شهادت رسیدند.

ممنوعیت تعرض و حمله به میراث فرهنگی

فرهنگ به مثابه «شیوه زیست»، در قالب نمادهای مادی و غیر مادی ظاهر می شود. ابعاد مادی در صور اموال منقول و غیر منقول و ابعاد غیر مادی در قالب آداب و رسوم، سنت‌ها، ادبیات عامه و در یک معنا فرهنگ ناملموس ظاهر می شود. حقوق بین‌المللی نوین همزمان با جنگ جهانی دوم، شکل‌گیری سازمان ملل متحد، تشکیل یونسکو در ۱۹۴۵ میلادی و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ میلادی، برای حفاظت از میراث فرهنگی مصوب شده است.

در حقوق بین‌المللی ناظر بر حمایت از میراث فرهنگی، تعریف جهانی مشترک و یکسانی از میراث ارائه نشده است؛ از این رو، همواره جدال برای کاربرد عنوان اموال فرهنگی و میراث فرهنگی میان معاهدات بین‌المللی و همچنین، حقوقدانان وجود دارد (Frigo, 2004:367). از ابتدا در اسناد بین‌المللی، واژه اموال فرهنگی کاربرد داشته است؛ اما، در سال‌های اخیر سازمان یونسکو تمایل بیشتری برای کاربرد عبارت میراث فرهنگی نشان داده است. واژه اموال فرهنگی محدود به اموال منقول نبوده و تمام اجسام فرهنگی را شامل می شود؛ اما، واژه میراث فرهنگی دامنه گسترده تری دارد و ماهیت‌های غیر ملموس فرهنگی، زیر مجموعه میراث فرهنگی قرار می گیرد. پیش شرط بررسی عمیق تر و تمایز دو عبارت بالا از یکدیگر، تبیین کامل مفاهیم فرهنگی است. آسیب‌های ناشی از جنگ‌های عصر حاضر به میراث فرهنگی ملل درگیر جنگ و تهدیدهای روزافزون تخریب آثار فرهنگی، تاریخی و طبیعی در جنگ‌های احتمالی آینده، حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی کشورها را ضروری نشان می دهد. همچنین، افکار عمومی که تخریب آثار فرهنگی کشورها را به منزله صدمه میراث فرهنگی بشری تلقی می کنند، تصمیم‌های جدی برای محدود کردن دامنه خسارات جنگ اتخاذ کرده است. توسعه روزافزون کمی و کیفی بی سابقه ابزار و ادوات جنگی باعث شده تا بارقه‌های جلوگیری از خسارت جنگ نزد افکار عمومی تشدید شود و در نهایت منجر به توافقات بین‌المللی متعددی شود که هر یک واجد ارزش‌های بسیاری است.

آسیب‌های ناشی از جنگ تحمیلی در توجه مسئولان جمهوری اسلامی ایران به اجرای مفاد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تأثیر بسیاری گذاشت. در این دوران، بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر مرزهای آبی و خاکی جمهوری اسلامی ایران به مدت هشت سال صحنه درگیری مستقیم نظامی بود.

کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در زمان منازعه‌های مسلحانه در تاریخ ۱۶ می ۱۹۵۴ میلادی از سوی سازمان یونسکو مصوب شد. «از آنجایی که تمام اموال در فرهنگ جهانی سهمیه هستند و لطمه به آنها به منزله لطمه به اموال کل بشر است» رویکرد «جهان گرایی فرهنگی» در میراث فرهنگی مورد پذیرش قرار گرفته است (Merryman, ۱۹۸۶: ۸۳۲). کنوانسیون ۱۹۵۵ لاهه بازتابی از عزم جدی برای کاهش آسیب‌های وارده به اموال فرهنگی در جریان منازعه‌ها را نشان می‌دهد. در این کنوانسیون

تلاش شده تا چارچوبی جامع پدید آید که باعث کاهش خسارات به میراث فرهنگی در جریان منازعه‌های مسلحانه بین‌المللی و داخلی شود.

در بند ۱ ماده ۴ قرارداد ۱۹۵۶ لاهه، احترام به اموال فرهنگی امری ضروری مطرح شده و طرفهای قرارداد ملزم به رعایت اموال فرهنگی تمام کشورهای جهان هستند، به این معنی که، از اموال فرهنگی استفاده نکنند و یا در معرض تضییع و تفریط قرار ندهند. براساس این قرارداد، کشورها در زمان منازعه متعهد می‌شوند اموال فرهنگی منقول، غیر منقول، مجموعه‌های تاریخی و فرهنگی را در تمامی سرزمین‌ها محترم شمرده و از هرگونه آسیب به آنها خودداری نمایند و تمام تلاش خود را برای حفاظت از میراث فرهنگی مناطق تحت اشغال به کار گیرند. افزون بر موارد مذکور، در این معاهده از کشورهای امضاکننده خواسته شده در زمان صلح اقدامات لازم و تمهیدات پیشگیرانه را برای حفاظت از میراث فرهنگی خود فراهم کنند تا در زمان وقوع جنگ، از این آثار به خوبی محافظت شود.

در آغاز جنگ تحمیلی، دو کشور ایران و رژیم بعث عراق معاهده ۱۹۵۶ لاهه امضا کرده و به آن پیوسته بودند، با این حال، امضای این معاهده باعث نشد تا آثار تاریخی از گزند حمله در امان بماند. در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هجری شمسی (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی)، ارتش رژیم بعث عراق به خاک ایران حمله کرد و طی چند روز، برخی از شهرهای جنوبی ایران را به اشغال خود درآورد. در این حمله از ابزارهای جدید نظامی و بمباران هوایی استفاده شد که نتیجه آن شهادت بسیاری از ایرانیان و تخریب ابنیه تاریخی ایران بود.

دامنه خسارات جنگ تحمیلی محدود به نواحی مرزی نبود و مناطق داخلی کشور در اثر حمله‌های موشکی و هوایی دشمن، آسیب‌های بسیاری متحمل شد. تهاجم کور و گسترده دشمن به میراث فرهنگی هزاران ساله ایران که بخش مهمی از میراث فرهنگی بشریت است، آسیب‌های جدی وارد کرد.

صدها بنای ارزشمند تاریخی و محوطه‌های باستانی و فرهنگی با ارزش‌های علمی، ملی و تاریخی تخریب شد. مراکز مهم فرهنگی و تاریخی کشور همانند اصفهان، کاشان، شیراز، شوش، دزفول و باختران به کرات آماج حمله‌های کور دشمن قرار گرفت؛ به طوری که، یکی از اصلی‌ترین اهداف فرهنگی دوران سازندگی، مرمت و ساماندهی بافت‌های تاریخی شهرهایی بود که در جنگ تحمیلی مورد تهاجم قرار گرفتند.

استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان مرزهای مشترک ایران و عراق است که از ابنیه‌های تاریخی، محوطه‌ها و تپه‌های باستانی فراوانی برخوردارند که برخی از آنها کاوش شده و بخش‌های وسیع دیگری همچنان کاوش نشده، باقی مانده است.

نخستین نشانه‌های سکونت انسان در استان خوزستان به هشت تا ده هزار سال پیش باز می‌گردد. این منطقه، محل سکونت و فرمانروایی پادشاهان عیلامی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی بوده است. خوزستان در دوران جنگ، آسیب‌های فراوان و غیر قابل جبرانی متحمل شد. در این دوره موزه آبادان، تخریب شد. همچنین، شوش، از کهن‌ترین سکونت‌گاه‌های بشری است، بارها تحت حمله قرار گرفت. تپه تاریخی شوش در دوران جنگ زیر آتش توپخانه و حملات هوایی قرار داشت. همچنین، آرامگاه دانیال نبی شوش، آسیب‌های فراوانی دید.

در این دوره، هیئت‌های مختلفی از سوی یونسکو برای بازدید از میراث فرهنگی منحصر به فرد و آسیب‌های وارد شده به ایران سفر کردند. گزارش‌های آقایان پاکر، بوشناکی و هیئت‌های اعزامی نشانگر ابعاد عظیم فاجعه ای است که به کشور ایران تحمیل شد (گزارش مأموریت عبدالغنی و لومر، ۱۹۸۵: ۱۵).

هیئت اعزامی در این سفر، ضمن بازدید از اصفهان، دزفول، شوش، چغازنبیل، شوشتر، آبادان، خرمشهر و کرمانشاه به خسارت‌های وارد بر مسجد جامع اصفهان، ساختمان‌های فرهنگی کرمانشاه و دیگر مناطق آسیب دیده اشاره کرده‌اند و با نگرش به فرهنگ قدیمی ایران، برخی از این آسیب‌ها را غیرقابل جبران خاطر نشان نموده‌اند (همان: ۳-۱۲). به عنوان نمونه، در قسمتی از این گزارش وضعیت شهر تاریخی دزفول چنین تشریح شده ... چند سالی است که در دزفول بمباران‌های موشکی، هوایی و گلوله باران به وسیله توپخانه انجام شده است. تاکنون بیش از ۱۵۰ موشک با ذخیره ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلوگرم مواد منفجره به شهر اصابت کرده که حاصل آنها حدود ۵۰۰۰ کشته و مجروح، تخریب ۱۶۵۰ بناهای مسکونی و تجاری بوده است (گزارش جنگ تحمیلی،

۱۹۸۶: ۱۳). در نگاه نخست، نیمی از بافت قدیمی شهر تخریب و یا آسیب دیده است (همان: ۵). قسمت تاریخی شهر از خانه‌های سنتی قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی تشکیل شده است که حکایت از فرهنگی قدیمی و غنی دارد. متأسفانه این بافت تاریخی با حملات موشکی از بین رفته است. در ادامه این گزارش آمده است «... بیش از ۵۰ درصد مرکز تاریخی شهر دزفول که به طور قطع از مهم ترین میراث‌های فرهنگی ایرانی است، تخریب شده و حتی اگر به حفظ و یا بازسازی کلیه خانه‌های قدیمی تخریب شده پرداخته شود، دستیابی به بافت تاریخی شهر با خصیصه مهم معماری ناممکن است» (همان: ۶).

حمله هواپیماهای رژیم بعث عراقی در ۱۳ مارس ۱۹۸۵ میلادی به شهر تاریخی اصفهان باعث شد تا قسمتی از مسجد جامع و بافت شهری اطراف آن تخریب شود. با توجه به اینکه میدان نقش جهان از بافت تاریخی برخوردار است و در «فهرست اموال فرهنگی» ثبت شده است، می توان مفاد قرارداد ۱۹۵۶ لاهه را بر روی آن اعمال کرد. در زمان آغاز جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، هیچ یک از آثار تاریخی و فرهنگی ایران در فهرست آثار تحت حمایت ویژه معاهده لاهه ثبت نشده بود؛ اما، از آنجایی که سه اثر زیگورات چغازنبیل، تخت جمشید و میدان نقش جهان اصفهان در فهرست میراث جهانی سازمان یونسکو به ثبت رسیده بود، تحت حمایت معاهده ۱۹۷۲ یونسکو قرار داشتند.

مبانی مطالبه خسارات ناشی از جنگ عراق علیه ایران

علمای حقوقی معتقدند که در عرصه بین‌الملل قواعدی الزام آور به وجود آمده اند که تخطی از آن با تراضی دولت‌ها ممکن نیست. این قواعد که برتر از اراده دولت‌ها است، به قواعد آمره موسوم می باشد.

۱- ارتکاب تجاوز و توسل به زور

عراق در ۳۱ شهریور ۵۹ تجاوز آشکار و گسترده ای را علیه ایران آغاز کرده است و بنابراین نشانه اولیه اقدام تجاوزکارانه، یعنی پیشدستی در تهاجم نیروهای مسلح عراق به ایران مشاهده می شود. لذا مصداق بارز ماده ۲ قطعنامه تجاوز می باشد.

۲- نقض حاکمیت ایران

حملات رژیم عراق به خاک ایران نقض آشکار حاکمیت ایران است و جای هیچ شکی باقی نمی ماند که این حملات از مصادیق نقض حاکمیت یک کشور مستقل می باشد.

۳- نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه:

دولتها و حتی بعضی از متحدان رژیم عراق اعلام کرده اند که عراق در جنگ با ایران از سلاحهای شیمیایی و میکروبی استفاده کرده است که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

۱- دولت آمریکا در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد

۲- وزیر امور خارجه اتریش در کنفرانس خلع سلاح در وین (۱۳۶۷)

۳- اعلامیه گروه حقوق بشر پارلمان انگلیس (لاریجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۸).

همچنین در گزارش‌های بین‌المللی در این خصوص به بحث پرداخته شده است که از جمله مهم ترین آنها می توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱- گزارش هیئت کارشناسی سازمان ملل متحد

۲- بیانیه دبیر کل سازمان ملل متحد بعد از گزارش هیئت نظامی در مورد محکوم ساختن کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ

عراق با ایران

۳- بیانیه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد محکوم ساختن کاربرد سلاح‌های شیمیایی

۴- بیانیه شورای امنیت در مورد محکوم ساختن کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران (همان: ۲۶).

برخی از خسارات وارده عراق به ایران در جریان جنگ تحمیلی

۱- خسارات در بخش اقتصادی

با خاتمه جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران در سال ۱۳۶۷ شورای امنیت سازمان ملل با استناد به بند هفتم قطعنامه ۵۹۸، ضمن تصدیق ابعاد عظیم خساراتی که در طول جنگ وارد شده است از دبیرکل خواست تا گروهی از کارشناسان را برای بررسی مساله بازسازی و تعیین خسارت‌ها به ایران اعزام کند و آنها در این باره به شورای امنیت گزارش دهند. در آن زمان خاویر پرز دکوئیار دبیر کل وقت سازمان ملل یک تیم کارشناسی به ریاست عبدالرحیم آبی فرح، معاون پیشین خود را مامور این کار کرد و این تیم آبان ۱۳۷۰ (۱۹۹۱م) راهی ایران شد. در این سفر، اطلاعاتی درباره استان‌هایی که صحنه عملیات‌های جنگی یا هدف حملات هوایی و موشکی بوده‌اند، مراکز شهری و روستایی که با خاک یکسان شده یا خسارت کلی دیده، خانه‌های مسکونی که کاملاً منهدم شده و یا آسیب جدی دیده‌اند، غیرنظامیانی که کشته، مجروح یا برای همیشه از کارافتاده‌اند و میلیارد‌ها ریال خسارت‌های سنگینی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به بخش‌های اقتصادی از جمله در بخش کشاورزی و بویژه نابودی باغ‌های نخل بر ایران وارد شده بود در اختیار این هیات قرار گرفت. تیم اعزامی پس از بازگشت از سفر اول خود در گزارشی به دبیرکل نوشت: میزان خسارات وارده به زیرساخت‌های ایران چنان گسترده است که بازسازی آن سال‌ها طول می‌کشد. سفر دوم این هیات نیز در راستای پیگیری‌های حاصله از سفر اول انجام شد و در نتیجه آن گزارشی ۱۹۱ صفحه‌ای از سوی دبیر کل به اطلاع اعضای شورای امنیت رسید. به این ترتیب بخشی از بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ که برآورد خسارات جنگی توسط کارشناسان سازمان ملل بود، انجام شد. این گزارش سازمان ملل تصریح کرده است که عراق ۵۰۰ هزار اصله خرما را عمداً قطع کرده است و تخریب مهندسی فراوانی در خاک ایران انجام داده است. این هیأت خسارت مستقیم را مبلغ ۹۹ میلیارد دلار و خسارت غیرمستقیم آن را ۱۵۰ میلیارد دلار و مجموعاً ۲۴۹ میلیارد دلار اعلام کرده است.

در همان سال خاویر پرز دکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل متحد رسماً، عراق را آغازگر جنگ معرفی و از خواسته ایران برای دریافت غرامت پشتیبانی کرد.

در مجموع در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت همه بندهای مربوط به ایران و عراق، از جمله آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی و تبادل اسرا، تا کنون اجرایی شده و تنها بند ۷ قطعنامه که ناظر به غرامت است، ناتمام مانده است. البته این بند از تاسیس صندوقی برای تأمین خسارت صحبت کرده است که همین خسارت وقتی از طرف کشور متجاوز پرداخت شود معنای غرامت دارد.

به هر حال گرچه در خرداد ۱۳۷۰، سازمان ملل متحد به درخواست ایران برای پیگیری بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ دایره به شناسایی متجاوز در جنگ ایران و عراق و بند ۷ و ۸ دایره به ارزیابی و پرداخت غرامت جنگی با انتخاب و اعزام مأموری در این باب، به نام عبدالرحیم فرح، حرکتی مثبتی نمود، اما متأسفانه این حرکت بدلائل مختلفی پیگیری نگردید و غرامت و خساراتی که برابر محاسباتی که در بهار ۱۳۷۰ در سازمان برنامه و بودجه‌ی کشور، معادل مبلغ ۳۰۸۱۱ میلیارد ریال آن زمان، برآورد شده بود، دریافت نگردید.

۲- خسارات وارده به ایران در بخش کشاورزی، جنگل‌ها و چراگاه‌ها

۳۱ می ۱۹۹۱ تا ۲۱ ژوئن ۱۹۹۱ (۱۰ مرداد ۱۳۷۰ تا ۳۱ مرداد ۱۳۷۰)، هیاتی از جمهوری اسلامی ایران بازدید کرد؛ گزارش این هیات، درحقیقت توصیفی از وسعت خرابی‌ها و برآوردهای مالی خسارت‌های وارده بر ایران بود. قسمت‌هایی از گزارش هیات: از ۲۶ استان کشور، ۵ استان صحنه نبرد بود و ۱۱ استان دیگر هدف حمله‌های هوایی و موشکی مکرر قرار گرفت. این ۱۰ استان، دو سوم جمعیت ۵۰ میلیونی کشور را در خود جای می‌داد. منطقه نبرد به طول ۱/۲۰۰ کیلومتر در امتداد مرز و به عمق ۸۰ کیلومتر، عمدتاً در خاک ایران است. طبق اظهارات مقامات ایرانی، بیش از ۵۰ شهر و شهرستان و نزدیک به ۴ هزار روستا در این جنگ به میزان مختلف متحمل خسارت گردیدند و تعداد بسیاری نیز با خاک یکسان شده‌اند که می‌بایست آن‌ها را به این تعداد اضافه کرد. هیات سازمان ملل تعداد قابل ملاحظه‌ای از این محل‌ها را مورد بازدید قرار داد و خسارات وارده را تأیید کرد.

۳- بخش کشاورزی

کشاورزی در پنج استان مجاور عراق نه تنها به طور گسترده ای از بین رفت، بلکه در زمینه نوین سازی نیز عقب ماند. دولت برآورد کرد که خسارت‌های مستقیم وارده به بخش کشاورزی، به ۱/۷۸۳/۳۷۷ ریال بالغ شود و خسارت‌های غیر مستقیم نیز ۱۴/۱۷۳/۹۵۵ برآورد شد که بیشترین آسیب‌ها بر محیط زیست وارد شد.

کمیسیون اعزامی، توجه خود را بر مناطق مرزی متمرکز ساخت که عمده خسارت‌ها در این مناطق به ویژه نواحی تولیدی اطراف خرمشهر و آبادان از جمله شلمچه و جزیره مینو، دشت آزادگان و دشت‌های اطراف حمیدیه، سوسنگرد، هویزه، و بستان محدود می شد.

به علت گستردگی ناحیه، تعیین میزان بسیار دقیق خسارت‌های بیشتر نقاط این استان، در مدتی که از زمان خسارت سپری شده، دشوار بود. هیات مشاهده کرد که در منطقه آزادگان، بیست باغستان هر یک به مساحت هفت هکتار، به طور کامل با خاک یکسان شده بود. در نخلستان مینو، نزدیک به ۷۵ درصد از درخت‌های تخل به آتش کشیده شد. یا خشکید. انهدام وسیعی در استان دیده شد و به وسیله پرواز بالگرد مورد تایید قرار گرفت.

ایلام: بنا به گزارش، از ۲۳ هزار هکتار زمین حاصل خیز، افزون بر ۵۰ درصد آن خسارت شدید دید. و به ۵۰ درصد از ۵۶ هزار هکتار کشاورزی دیم نیز به دلیل درگیری‌های نظامی و اشغال آسیب نسبی وارد آمد. نزدیک به یک سوم از ۱۵۰ حلقه چاه عمیق، غارت یا منهدم شد و بقیه چاه‌ها نیز خسارت دیدند. همچنین، نواحی اطراف دهلران و مهران صدمه گسترده ای دید و تنها بخش اندکی از زیربنای اصلی آن باقی ماند.

باختران: بررسی و بازدیدهای هوایی از نواحی سومار، نفت شهر، گیلان غرب، سرپل ذهاب و قصر شیرین، مقیاسی تقریبی از خسارت‌های وارد شده به زمین‌ها و ساختمان‌ها را ارائه داد. بناهای کشاورزی کاملاً با خاک یکسان شد. شدت خسارت‌ها با خسارت‌های وارده به زمین در سایر استان‌ها و عمدتاً در نواحی اطراف قصر شیرین، مشابه بود. این خسارت‌ها در گیلان غرب در حدی سبک تا متوسط بودند. پرواز بر فراز باغ‌های مرکبات و نخلستان‌ها، از زمین عریان با اندک درختانی که بر جای مانده و سوخته بودند، تصویر حزن آوری ارائه می داد.

۴- جنگل‌ها و چراگاه‌ها

بنا به گزارش وزارت جهاد، ۸۵ هزار هکتار از جنگل‌های طبیعی به دلایل نظامی نابود شدند. هیات توجه نمود که اثرات غیر مستقیم انهدام جنگل‌ها بر محیط زیست، مانند حفظ خاک و از بین رفتن قدرت خاک، فرسایش و رسوب سدها و سایر ساختارهای آبی می تواند ۱۰ بار بیشتر از خسارت‌های مستقیم باشد.

چراگاه‌ها: تقریباً ۷۵۳ هزار هکتار از چراگاه‌های واقع در منطقه جنگی به دلایل نیازهای ساختمان نظیر جاده‌ها، پادگان‌ها و ... از بین رفتند.

ماهگیری: خوزستان تنها استانی است که جنگ بر ماهگیری آن اثر گذاشت.

عدم تشخیص متجاوز و رسیدگی مستقل نسبت به خسارات وارده به جنگ در چارچوب قطعنامه ۵۹۸

یکی از ضعف‌های عمده شورای امنیت در برخورد صحیح و مناسب با جنگ تحمیلی، سکوت نسبت به بررسی مسئولیت‌های مدنی و کیفری متجاوز و نحوه بازسازی کشور مورد تجاوز بود. بدون شک، قطعنامه ۵۹۸ بهترین مجال بدین منظور بود اما همان طور که از قرائت ساده این قطعنامه بر می آید، در آن مشخص نشده است که چنانچه کمیته تعیین متجاوز {بر مبنای بند ۶ قطعنامه} تشکیل شود و طرف مسئول جنگ را معرفی کند، متجاوز چه مسئولیتی خواهد داشت و شورای امنیت چه روشی را در مقابل آن به کار می گیرد. (زمانی، ۱۳۹۷، ۱۸۶-۱۸۳).

در زمان صدور این قطعنامه، ابتدا چنین استنباط می شد که موضوعات مندرج در بندهای ۶ و ۷ قابل تلفیق است و وظایف کمیته بازسازی می تواند بر دو مقوله برآورد خسارات ناشی از جنگ تحمیلی و تدارک روش‌هایی که نهایتاً منجر به اخذ غرامت از مسئول جنگ شود، استوار گردد. ولی بعداً در پی بحث‌هایی که در کمیته هماهنگی با حضور وزیر امور خارجه صورت گرفت روشن شد که مسائل مربوط به بندهای ۶ و ۷ قطعنامه قابل تلفیق نیست و اگر اقدامات مربوط به بند ۶ به گونه ای جریان یابد که امکان

غرامت طلبی توسط جمهوری اسلامی ایران میسر گردد، ضرورتاً گروه خاص دیگری تنظیم دادخواست و سایر اقدامات مربوط را عهده دار خواهد بود و لذا شرح وظایف کمیته بازسازی صرفاً به بند ۷ قطعنامه محدود شد. (زمانی ۱۳۹۷، ۱۸۹).

در این خصوص نیز سکوت غیر قابل قبول حاکم بر شورای امنیت که بیش از همه نتیجه بی ارادگی اعضای آن در برخورد قاطع با متجاوز بود که در طول جنگ از کمکهای مختلف آنها بهره مند بود، به عقیم ماندن اجرای بند ۷ منجر شد.

با اینکه متعاقب تلاش‌های مختلف مقامات ایرانی و اقدام دبیر کل ملل متحد، خسارت‌های جنگ برآورد، و گزارش آن ارائه شد ولی اقدام موثری برای بازسازی صورت نگرفت. قطعنامه ۵۹۸ با طرح مسئله جبران خسارت بعدی از بند ۶ راجع به تعیین متجاوز، به صورتی زیرکانه از زیر بار خواسته مشروع ایران برای مجازات عراق شانه خالی کرده و مسئولیت بین‌المللی را صرفاً در قالب سنتی آن یعنی مسئولیت مدنی (آن هم صرفاً جبران خسارت) مورد توجه قرار داده است. جای تاسف این که مساله جبران خسارات نیز به جای اینکه بر دولت متجاوز (عراق) تحمیل شود به طور مبهم تحت لوای کمک‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت.

از این طریق شورای امنیت به صورتی مزورانه نه تنها مسئولیت کیفری دولت عراق به لحاظ ارتکاب جرم بین‌المللی تجاوز، بلکه کل موضوع مسئولیت بین‌المللی عراق را نادیده گرفت. جمهوری اسلامی ایران در نامه ای به صندوق بین‌المللی پول خواستار دریافت ۹۷/۲ میلیارد دلار غرامت جنگ از عراق و اضافه شدن مبالغ مذکور به بدهی‌های خارجی این کشور شد. با این که سند درخواست مذکور در دسترس عموم قرار نگرفت اما تحلیل رسانه‌های گروهی این بود که مبلغ شامل هزینه‌های نظامی جنگ تحمیلی نمی باشد. (نادر، ۱۳۸۳، ۹۷).

در واقع، تفکیکی بین هزینه‌های نظامی و صدمات جنگ بر بخش‌های غیر نظامی صورت گرفته است. بدون شک، چنین اقدامی هر چند ممکن است نوعی استفاده از فرصت بوجود آمده برای فراهم کردن امکان استیفای حق مشروع و مسلم ایران تلقی شود اما به نظر نمی رسد که راه صحیح مطالبه این حق باشد. زیرا اولاً: تفکیک غرامت جنگ بر هر مبنای اساسی که باشد، موجب برهم زدن جامعیت (غرامت) قابل پرداخت به ایران می گردد. در واقع، حتی اگر چنین درخواستی از سوی صندوق بین‌المللی پول نیز پذیرفته شود، معلوم نیست که مطالبه هزینه‌های نظامی جنگ به چه سبک و سیاقی صورت خواهد گرفت. ثانیاً: صندوق بین‌المللی پول تنها در صورتی چنین درخواستی را اجرا می نماید که مبنای حقوقی روشن و دقیقی برای آن وجود داشته باشد. فقدان قطعنامه‌ای مشخص از سوی شورای امنیت (که مسئول انحصاری تعیین ابعاد این غرامت است)، گزینه ای جز رد این درخواست را باقی نمی گذارد. در این صورت، درخواست‌های مکرر ایران از مراجع غیر صالح و رد مکرر این درخواست‌ها نه تنها موجب لوذ شدن موضوع می گردد بلکه ممکن است موجب شکل گیری رویه‌های بین‌المللی گردد که مطالبه حق مشروع ایران را با موانع حقوقی روبرو سازد.

در لزوم مطالبه غرامت جنگ به عنوان یکی از برنامه‌های در دستور کار دستگاه سیاست خارجی کشور چندان تردیدی وجود ندارد اما به نظر می رسد که در این خصوص عزم راسخی (آن گونه که لازمه استیفای حق یک کشور زیان دیده است) وجود ندارد و این موضوع تحت الشعاع دیگر مسائل بین‌المللی شده ایران قرار دارد. در هر حال، جستجوی راه‌های احیای روند مندرج در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت که به هر دلیل مدت‌ها معلق مانده است، مناسب ترین گزینه برای مطالبه حق مذکور می باشد.

پس از جنگ جهانی دوم، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز ضمن محکوم کردن صریح اعمال تجاوزکارانه، وظیفه جبران خسارت یا پرداخت غرامت را یادآور شده است. برای مثال در قطعنامه ۲۶۲ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۸ شورای امنیت بدون آن که هجوم هوایی اسرائیل به فرودگاه بیروت (یکی از مصادیق تجاوز) را تجاوز بنامد لبنان را مستحق جبران خسارت مناسب از بابت خرابی‌های به بار آمده دانست. همچنین قطعنامه ۲۹۰ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۷۰ در مورد تهاجم پرتغال به گینه، از دولت پرتغال می خواهد که به جمهوری گینه غرامت بپردازد. همچنین در قطعنامه ۳۸۷ مورخ ۳۱ مارس ۱۹۷۶ در مورد تجاوز آفریقای جنوبی به آنگولا، از آفریقای جنوبی خواست که تقاضای عادلانه جمهوری خلق آنگولا در مورد پرداخت غرامت کامل از بابت زیانها و خرابی‌های وارد شده به این دولت و مسترد داشتن تجهیزات و وسایلی که نیروهای مهاجم ربوده بودند را برآورده سازد. شورای امنیت هم چنین در قطعنامه ۵۵ مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۷۹ پس از محکوم کردن تجاوز رودزایی جنوبی به زامبیا، خواستار ارایه غرامت کامل و مناسب به جمهوری زامبیا شد. همین فرمول در قطعنامه ۶۷۵ مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۰ نیز به کار رفت که در آن ادعای آنگولا علیه آفریقای جنوبی در مورد جبران خسارت تایید گردید. همین موضوع بار دیگر در قطعنامه ۵۲۷ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۲ شورای

امنیت تکرار شد که در آن اعمال تجاوزکارانه آفریقای جنوبی علیه لسوتو محکوم گردید و از آفریقای جنوبی خواسته شد که به خاطر زیان‌های وارد شده به جان و مال مردم، ناشی از این عمل تجاوز، به پادشاهی لسوتو، غرامت کامل و مناسب بپردازد. در قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ نیز حمله اسرائیل به مرکز تحقیقات هسته ای عراق محکوم و عراق مستحق جبران خسارت مقتضی به خاطر خرابی‌های به وجود آمده دانسته شد. در همه این قطعنامه‌ها شورای امنیت تصمیمات خود را بر این فرض استوار ساخت که تجاوز به طور خودکار موجب وظیفه جبران خسارت است و وجود آن موکول به توافق متجاوز نیست ولیکن در جنگ تحمیلی شورای امنیت عملکردی متفاوت داشته است.

تعهدات دولت جدید عراق نسبت به اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ و امکان پرداخت خسارات

در بررسی موضوع احراز مسئولیت دولت جدید عراق در قبال تعهدات بین‌المللی دولت قبلی مهمترین موارد و قرائتی که به عنوان این احراز مسئولیت به دست می آید عبارت از:

الف: رویه جاری دولت جدید عراق در عرصه بین‌المللی، مبین‌پذیرش عمل به تعهدات بین‌المللی دولت قبلی و مشخصا در تعهدات و مسئولیت‌های ناشی از اقدامات تجاوزکارانه آن است که مهمترین مصادیق این روید، پرداخت غرامت جنگی به کویت و بازپرداخت دیون دولت قبلی به اعضای جامعه بین‌المللی می باشد.

ب: رویه جامعه بین‌المللی اعم از دولت‌ها، سازمان ملل و مشخصا شورای امنیت، حاکی از پذیرش موضوع انتقال تعهدات دولت قبلی عراق به دولت جدید در این کشور است که بارزترین دلائل اثباتی این امر را در قطعنامه‌های ۱۵۶۹، ۱۶۸۳، ۱۹۵۹ شورای امنیت و همچنین تلاش دولت‌ها برای دریافت دیون مالی خود از عراق شاهد هستیم.

ج: اظهارات و اعترافات مقامات و مسئولین دولت جدید عراق مبنی بر لزوم پرداخت غرامت ناشی از تجاوز دولت قبلی عراق به ایران و یا درخواست بخشش آنها و همچنین اعتباری که رویه قضایی بین‌المللی برای اینگونه اظهارات سران کشورها قائل گردیده است.

لذا از مجموع این مطالب به روشنی می توان نتیجه گرفت که تعهدات دولت قبلی به دولت جدید قابل انتقال بوده و دولت جدید این کشور به طور عام نسبت به اجرای تعهدات بین‌المللی دولت قبلی مسئول است و اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ نیز به عنوان یکی از تعهدات دولت قبلی از این امر مستثنی نمی باشد. از سوی دیگر و آنجا که عدم اجرای قطعنامه ۵۹۸، وضعیت روابط دو کشور را کماکان در حالت مبهم قرار داده و هرگونه برقراری صلح و ثبات دائمی در منطقه منوط به اجرای کامل و وصول به اهداف این قطعنامه است. اجرای آن برای دو طرف ضروری است.

تعهد جامعه بین‌المللی نسبت به اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸

الف: تصریح مفاد منشور ملل متحد در باب صلاحیت‌های شورای امنیت

ب: رویه جامعه بین‌المللی در پرداخت غرامات ناشی از جنگ و تجاوز، به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی و در موضوعاتی نظیر مقابله با تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز و مشخصا تجاوز عراق به کویت.

ج: تصریح شورای امنیت در بند ۱۰ قطعنامه ۵۹۸ مبنی بر لزوم تشکیل جلسات بعدی برای اجرای کامل قطعنامه مذکور.

لذا از مجموع موارد فوق می توان نتیجه گرفت که تعهد جامعه بین‌المللی در قبال اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ و تامین حقوق ایران به عنوان یک دولت و عضو لطمه دیده جامعه بین‌المللی محرز و سازمان ملل و مشخصا شورای امنیت در این باره مسئولیت مستقیم دارند.

نتیجه گیری و ارائه راهکارها

جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران هیچ مبنای حقوقی ندارد و براساس حقوق بین‌المللی، تجاوز محسوب می شود. بر این اساس بی توجهی سرکشانه رژیم بعث عراق در جنگ هشت ساله، نقض متعدد حقوق منازعه‌های مسلحانه و حقوق بشر دوستانه مسئله

ای است که مسئولیت بین‌المللی رژیم بعث عراق را به دنبال دارد. حقوق بشر دوستانه بین‌المللی نتیجه تلاش مشترک نسل‌ها و فرهنگ‌های بسیاری است که بر لزوم برقراری توازن میان اهداف بشردوستانه و اقدامات نظامی قانونمند توافق کرده‌اند.

در طول جنگ هشت ساله عملکرد ارتش عراق علیه ایران نشان می‌دهد که دولت عراق بعنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل هرگز موازین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را رعایت نکرد و از بکارگیری تمام ابزارها و روش‌های ممکن که در اختیار داشت دریغ نکرد. در این راستا با استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حمله به شهرها خسارات جبران ناپذیری به ایران وارد کرد که به اعتقاد سم شناسان اثرات سوء سلاح‌های شیمیایی به مدت ۲۰ تا ۳۰ سال در خاک باقی خواهند ماند و به کلی حیات جانداران را مختل می‌سازد رژیم عراق در جریان تهاجم سراسری خود شهرهای خرمشهر، مهران، سوسنگرد، هویزه، باستان، سومار، موسیان، قصر شیرین و ... و روستاهای تابعه آنها را با خاک یکسان کرد و پانصد هزار اصله خرما را تعمداً قط نمود، همچنین بر اثر بمباران حوزه‌های نفتی و کشتی‌های نفت کش و آلودگی آبها، نسل بعضی از ماهیها منقرض شد. همچنین رژیم عراق با تجاوز به خاک ایران، منشور سازمان ملل متحد و قرارداد ۱۹۷۵ را نقض کرده است و نیز دولت عراق ضوابط حقوق بشر دوستانه و حقوق محیط دوست را نقض نموده است و به استناد قوانین بین‌المللی این رژیم مسئولیت پرداخت غرامت جنگی را به عهده دارد و در قبال این نقض مکرر دولت عراق، تغییر نظام سیاسی یا حکام تغییری در پرداخت غرامت به دولت ایران ایجاد نمی‌نماید.

امکان حقوقی دریافت غرامت از دولت جدید عراق

بررسی امکان حقوقی دریافت غرامت از دولت عراق در ابتدای امر لازم است که به حق بر دریافت غرامت و خسارت، اشاره ای مختصر داشت. شناسایی حق بر دریافت غرامت و خسارت برای قربانیان جنگ سابقه ای طولانی در رویه محاکم داخلی برخی کشورها دارد و در سطح بین‌المللی هم رویه مفصلی در این خصوص وجود دارد. مثلاً، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود درخصوص ساخت دیوار حایل به وضوح از تعهد اسرائیل به جبران خسارت از قربانیان سخن به میان آورده و دیوان اروپایی حقوق بشر هم در قضیه Markovic بر وجود این حق صحنه گذاشته است. حق، هم به صورت فردی و هم به صورت دسته جمعی، مورد شناسایی محاکم و دکتربین قرار گرفته و رویه‌های متعددی در این زمینه وجود دارد که نشان می‌دهد جبران خسارت به پنج شکل مختلف قابل تحقق است. ۱- اعاده وضع به حال سابق؛ ۲- پرداخت غرامت؛ ۳- توانبخشی؛ ۴- جلب رضایت؛ ۵- تضمین عدم تکرار، آنچه از رهاورد جنگ تحمیلی هشت ساله علی ایران از سوی عراق مدنظر جمهوری اسلامی ایران است جبران خسارت با پرداخت غرامت است.

پرداخت غرامت و درخواست جبران خسارت جنگی رایج ترین شیوه جبران خسارت پرداخت غرامت است. تقریباً همه کارشناسان حقوق بین‌الملل، از دو سه دهه پیش، بی‌گمان بر این نکته اتفاق نظر دارند که هر دولت که مسئول جنگی غیر قانونی، نامشروع و ناموجه باشد، همان کشور باید خسارت‌های ناشی از جنگ را جبران و پرداخت کند. براساس اصل دوام کشورها، تغییر حکومت‌ها به هیچ عنوان، رافع مسئولیت دولت‌ها نیست، در این راستا قرارداد صلح ورسای در زمینه ی الزام آلمان به پرداخت غرامت، مصداقی بر پرداخت خسارت در نظام بین‌الملل بدون توجه به تغییر حکومت‌ها، از زمان جنگ جهانی تاکنون است.

برای دریافت غرامت از عراق، میتوان به قطعنامه ۵۹۸ و سخنان دبیر کل سازمان ملل خاویر پرز دوکوئیار اشاره داشت. چنانچه ایشان گفته بود: "عراق مقصر اصلی جنگ و آغازگر آن است." این جمله معروف، از استنادات قضایی ایران علیه عراق در موضوع اخذ غرامت است و در واقع، اولین سند بین‌المللی حقانیت ایران به شمار می‌رود که بر اساس آن عراق به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ موظف به پرداخت غرامت گردید. علاوه بر این تنها خاویر پرز دوکوئیار نبود که دوهفته قبل از پایان ماموریتش در گزارشی دقیق به شورای امنیت، عراق را به‌طور خیلی مشخص به عنوان متجاوز معرفی کرد، بلکه در سال ۲۰۰۳ نیز در جریان رسیدگی دیوان بین‌المللی لاهه به قضیه سکوه‌های نفتی میان ایران و آمریکا نیز، این دادگاه به طور ضمنی متجاوز بودن عراق را تایید کرد و علاوه بر این، در سال ۲۰۰۵ نیز کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در سخنانی در مورد کنفرانس ساختار سازمان ملل که در تهران برگزار شد به این موضوع اشاره کرد.

موضوع دیگر اینکه پاک و مطهر بودن دولت جدید عراق نیز، به هیچ عنوان رافع مسئولیت آن در قبال تعهدات بین‌المللی رژیم بعث نخواهد بود و دولت جدید عراق نمی‌تواند برای عدم پذیرش مسئولیت پرداخت خسارات جنگی به آن استناد کند. علاوه بر این، با در نظر گرفتن جنگ عراق علیه کویت نیز که در قطعنامه ۶۹۲ سازمان ملل، تأسیس کمیسیونی را پیش‌بینی نمود که می‌بایست عهده دار اداره این صندوق با دارایی ۳۰ درصد عواید ناشی از فروش نفت عراق به دولت کویت باشد و این پرداخت در دولت جدید عراق نیز ادامه داشته است، لذا با استناد به این صندوق نیز، می‌توان با قطعیت اذعان داشت که تمامی تعهدات و حقوق دولت بعثی از جمله پرداخت غرامت به دولت ایران علاوه بر اینکه، قابل انتقال به دولت جدید عراق است بلکه امکان تشکیل صندوقی مشابه صندوق غرامات کویت و دریافت غرامت از عواید نفتی دولت جدید عراق، تا زمان پرداخت خسارت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز به لحاظ حقوقی وجود خواهد داشت. گرچه به دلیل قطعی روابط جمهوری اسلامی ایران با رژیم بعث، پیگیری این غرامت به طور جدی در دستور کار قرار نگرفت، ولی اکنون می‌توان بر همین مبنای حقوقی، این حق قطعی دولت و ملت ایران از عراق را درخواست نمود تا این پول به مصرف بازسازی مناطق جنگ زده و جبران خسارت‌های وارده از جنگ تحمیلی که تاکنون به یادگار مانده است.

راهکارهایی در جهت حل و فصل اختلافات بین‌المللی در خصوص خسارات ناشی از جنگ تحمیلی

مهمترین پیشنهادات راهبردی که از مجموع مباحث مطروحه می‌توان ارائه نمود به شرح ذیل است:

۱- با نگاهی گذرا به قطعنامه ۵۹۸ در خواهیم یافت که نگرانی و اصرار ایران مبنی بر لزوم معرفی متجاوز قبل از هر اقدامی کاملاً بجا و صحیح بوده لیکن عوامل متعددی - غالباً سیاسی مانع از تحقق شروط و خواسته‌های ایران شده است. لذا پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه اجرای قطعنامه منافع قابل توجهی را عاید ایران می‌نماید و در وضعیت فعلی اقتصادی اقدام عاجل جهت اجرای قطعنامه به عمل آید.

۲- با توجه به عضویت ایران و عراق در سازمان ملل متحد و با عنایت به منازعه ایران و عراق که منجر به نقض صلح گردیده و به اعتبار ماده ۲۶ منشور ملل متحد و اختیارات تنفیذ شده از سوی اعضاء به این شورا در این ماده، شورای امنیت برای مساله و صدور قطعنامه ۵۹۸ صالح بوده است و با عنایت به استناد شورای امنیت در پاراگراف مقدماتی به ماده ۳۹ منشور ملل متحد و احراز موضوع تهدید علیه صلح از سوی این شورا که در واقع گویای تصمیم‌گیری این شورا بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد است. طبقاً الزام آور بودن اجرای آن قطعنامه تقویت‌پذیرش آن از سوی دو طرف منازعه این اثر الزام آور بودن را قطعیت می‌بخشد. مضافاً به اینکه صدور قطعنامه ناشی از تصمیم یک نهاد رسمی بین‌المللی بوده و از طرفی به کرات به صورت شفاهی و کتبی، پذیرش اجرای کامل قطعنامه از سوی دو طرف منازعه مورد تأکید قرار گرفته است و حتی بخش‌هایی از آن به طور کامل اجراء شده است. می‌توان گفت که قطعنامه ۵۹۸ یک توافق نامه بین‌المللی است و به توافقات کتبی و شفاهی صورت گرفته از ناحیه ایران و عراق برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ آثار و تبعات معاهداتی مترتب است و دو طرف منازعه نسبت به اجرای آن متعهد می‌باشند. لذا پیشنهاد می‌شود در راستای الزام آور بودن این قطعنامه و بر اساس بند ۷ قطعنامه که می‌بایست آغازگر جنگ و جبران خسارت توسط یک مرجع بی طرف رسیدگی قرار گیرد و این امر به عهده دبیر کل گذاشته شده است لذا دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند بعنوان یک مرجع مستقل و بی طرف نسبت به خسارات وارده زیست محیطی به ایران صالح به رسیدگی باشد و دولت ایران این پیشنهاد را در دستور کار خود قرار دهد.

۳- به رغم شکل‌گیری حوادث مهمی نظیر اشغال عراق و روی کار آمدن دولت جدید در این کشور و بروز تغییراتی که از منظر حقوق بین‌الملل قابل توجه می‌باشند ولیکن مشخصه‌های لازم برای اینکه بتوان این تغییرات را در زمره تغییرات بنیادین اوضاع و احوال به حساب آورد کاملاً محقق نشده و یا حداقل به شکل ناقص بروز کرده است و این امر در رویه دولت جدید عراق، شورای امنیت و سایر دولت‌ها به خوبی می‌توان ملاحظه نمود. لذا تغییرات صورت گرفته هیچ گونه تأثیری بر تعهدات بین‌المللی دولت جدید عراق که از دولت قبلی به ارث برده نداشته است لذا پیشنهاد می‌شود با عنایت به اینکه دولت جدید عراق در قبال تعهدات ناشی از پذیرش و اجرای قطعنامه ۵۹۸ نیز متعهد است دولت ایران از طریق مجامع بین‌المللی نسبت به اجرای قطعنامه مذکور اقدام کند.

۴- مسلماً اجرای تصمیمات شورای امنیت بر طبق فصل هفتم منشور به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، با توجه به تعهد اعضا به موجب ماده ۲۵ منشور، و بنا به تصریح ماده ۱۰۳ آن سند، از تعهداتی است که به تعهدات اعضای سازمان ملل، به موجب هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر برتری و تقدم دارد و بر اساس بند ۱۰ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت خود را مکلف کرده که در صورت نیاز برای اجرای قطعنامه مذکور تشکیل جلسه دهد. لذا فقط با اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ جامعه بین‌المللی به شکل عام و سازمان ملل و شورای امنیت به شکل خاص به تعهدات خود در قبال نقض مقررات بین‌المللی از سوی دولت قبلی عراق عمل کرده اند امری که در جریان متجاوز عراق به کویت نه تنها به شکل کامل تحقق پذیرفت بلکه اقدامات فراتر از حدود و صلاحیت‌های شورای امنیت نیز بود بنابراین پیشنهاد می‌گردد دولت ایران با توجه به اینکه بند اور ۷ قطعنامه اجراء نشده است می‌بایست از طریق دیپلماسی اهتمام خود را نسبت به تشکیل جلسه شورای امنیت در خصوص پرداخت خسارات ناشی از جنگ به کار بندد.

۵- اظهارات مقامات و مسئولین عراقی در قبال پذیرش خسارت وارده به ایران توسط دولت قبلی عراق کاملاً واضح و مبرهن است. تقاضا و تمایل آنها برای مذاکره در خصوص بخشش این غرامات از سوی ایران، حاکی از به رسمیت شناختن این حق از سوی آنها است به ویژه رویه دولت جدید عراق نسبت به جبران خسارت وارده به کویت که مبتنی بر پرداخت، جلب رضایت و گرفتن بخشودگی می‌باشد قابل توجه است و اینکه طی سالها پس از سرنگونی صدام هیچگاه مشی انکار را اتخاذ ننموده و رویه این دولت مبتنی به تعامل سازنده بوده است که از نظر حقوقی مهم ارزیابی می‌گردد لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه دولت جدید عراق عملاً و بدون هیچ شرطی خود را نسبت به تعهدات دولت قبلی متعهد و مسئول می‌داند دولت ایران با عنایت به روابط حسنه با عراق نسبت به تعیین تکلیف غرامت ناشی از جنگ و علی‌الخصوص خسارات زیست محیطی اقدام کند.

۶- طی چند سال اخیر و به ویژه پس از سرنگونی دولت قبلی عراق، اقدام خاصی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری تعهدات قبلی عراق از ناحیه دولت جدید این کشور به عمل نیامده است و مشخصاً اجرای بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ که دربرگیرنده منافع قابل توجهی برای ایران است، همچنان بدون پیگیری باقی مانده است. در این میان تنها اقدامی که از سوی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر در خصوص موضوع جنایات صدام در طول جنگ تحمیلی که طی نامه ای به وزارت خارجه عراق جهت طرح در دادگاه ویژه محاکمه صدام است بنابراین پیشنهاد می‌شود وزارت امور خارجه ایران به عنوان متولی دستگاه دیپلماسی کشور کمیته ای تحت عنوان کمیته پیگیری و اجرای قطعنامه ۵۹۸ ایجاد و موضوع را با جدیت دنبال کند.

۷- یکی از راهکارها، حقوقی و قضایی است، اینکه بر طبق اسناد موجود و رای شورای امنیت و استناد به گفته خود مسئولین عراق که تجاوز به ایران را در زمان رژیم بعث پذیرفته‌اند، در دادگاه لاهه از عراق طرح دعوی کرد. چنانچه اگر شکایت برای دریافت غرامت موردی باشد و درباره موضوع خسارات وارده به دلیل استفاده از تسلیحات شیمیایی باشد با توجه به وضوح این موضوع، دعوا سریعتر به نتیجه خواهد رسید که علاوه بر دریافت خسارت، می‌توان از حامیان این جنگ تجاوزکارانه نیز شکایت کرد. راهکار دیگر اینکه نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد می‌تواند با ارجاع موضوع غرامت به شورای امنیت، خواهان تشکیل یک دادگاه ویژه و خاص بین‌المللی مطابق دادگاه بین‌المللی رواندا یا دادگاه دعوای ایران و آمریکا باشد، یا اینکه ایران و عراق داوران منتخب و بی‌طرف را برگزیده و در کشوری بی‌طرف دعوای خود را مطرح کنند تا مقدمات تاسیس دادگاهی با سرشت و ماهیتی کمتر سیاسی و با کارکرد قضایی بالا فراهم شود. در این راستا با توجه به وجود دلایل متقن و کافی درباره جبران خسارت از سوی دولت عراق، می‌توان از طریق این نوع دادگاه خاص بین‌المللی، مصالح و منافع ملی کشور را به خوبی تامین نمود.

۸- راهکار دیگر بر طبق فصل ۶ و ۷ است که کشورمان می‌تواند با ارسال نتیجه قطعنامه، نامه دبیر کل سابق سازمان ملل (خاویر پرز) و مستندات دیگر به شورای امنیت، مجدداً تقاضای دریافت غرامت و خسارت را به شورای امنیت سازمان ملل محول نموده و در خواست صدور یک قطعنامه جدید را طبق ماده ۲۷ بند ۱ و ۲ منشور در این خصوص بنماید و از آنجا که شورای امنیت، گزارش خاویر دکوئیار دبیر کل سابق سازمان ملل را در این خصوص در اختیار دارد و بر این مبنا ایران می‌تواند این مطالبه خود را در مجامع جهانی بویژه شورای امنیت سازمان ملل (در چارچوب فصل ششم) مجدداً مطرح کند و قطعنامه جدیدی که به صراحت عراق را به پرداخت غرامت ملزم کند، صادر گردد که در آن صورت با موافقت ۹ عضو دایم یا غیردایم، ایران می‌تواند احقاق حق کند.

۹- راهکار دیگر با استناد به ماده ۳۲ منشور بین‌الملل است که در فصل ششم خود اولین راهکار را ارایه داده و می‌گوید که دو کشور می‌توانند برای دریافت غرامت با یکدیگر وارد مذاکره شوند، یعنی در گفت و گوی صمیمی بین‌مقامات ایران و عراق این بحث، مطرح شده و با توافق حل شود. به اینصورت که ایران به شکل دوجانبه با دولت عراق مذاکره کند و از طریق دیپلماتیک به یک نتیجه نهایی در این باره برسد. در این گفتگوها ایران باید به صورت مداوم به مقامات عراقی متذکر گردد که این کشور مسئول آغاز جنگ بوده، پس مسئول پرداخت غرامت خسارات وارده به کشور ما نیز می‌باشد. علاوه بر این راهکارها، استفاده از تجربیات کویت در کمیسیون تعیین غرامت سازمان ملل نیز می‌تواند راهگشای دستگاه دیپلماسی باشد چنانچه کمیسیون تعیین غرامت سازمان ملل متحد مجری پرداخت غرامت عراق به کویت شد و تاکنون بخش زیادی از این غرامت پرداخت شده است، لذا باید نحوه تصمیم‌گیری کمیسیون مذکور، درباره عراق و اخذ غرامت از آن مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

نباید فراموش کنیم که امام خمینی (ره) پس از آنکه گروه‌های مختلف مذاکره‌کننده در طول جنگ نزد ایشان آمدند، چهار موضع مشخص را هر بار تکرار کردند. این چهار نکته که خواسته ایران و شخص امام بود از این قرار بودند: شناسایی متجاوز و تنبیه آن، بازگشت آواره‌ها به مرزهای بین‌المللی و دریافت غرامت جنگی. سه مطالبه اول طی سالهای بعد از جنگ انجام شد و سازمان ملل هم عراق را به عنوان کشور متخاصم شناسایی کرد. اما هنوز نتوانسته‌ایم غرامتمان را از عراق بگیریم، گرچه مسئولیت پرداخت غرامت مسأله‌ای نیست که شامل مرور زمان گردد براین اساس ایران این حق را دارد که در هر زمانی، غرامت و خسارت جنگ تحمیلی را از دولت عراق بخواهد. از این رو اگر تاکنون اقدامی در این باره صورت گرفته نشده به این معنا نیست که حقوق ایران در این زمینه از بین رفته است. دولت ایران در سطوح مختلف، حق درخواست غرامت (و جبران خسارت) از دولت عراق را می‌تواند داشته باشد. دولت ایران، نه تنها می‌تواند جبران مالی همه تخریب‌های ناشی از حمله‌های نظامی و موشکی عراق را مطالبه کند، بلکه می‌تواند بهای همه ی جنگ‌افزارهایی را که برای دفاع از کشور هزینه کرده است، از عراق بگیرد. مردم ایران (جانبازان شیمیایی، معلولان جنگی، اسیران، آزادگان، خانواده‌های شهیدان و مفقودان) می‌توانند به صورت جمعی یا فردی در دادگاه از عراق خسارت بگیرند. لذا اکنون این وظیفه‌ی ایران است که در عین تعاملات تنگاتنگ با دولت عراق، پرداخت این مطالبه کاملاً حقوقی را از آنان درخواست نماید و با تقاضای خسارت از دبیر کل سازمان ملل متحد بخواهد تا قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت را اجرایی نماید، بویژه آنکه در شرایط حاضر نیز، عراقی‌ها رفتار خوبی و دوستانه‌ای نسبت به ایران نشان نداده‌اند و اتخاذ موضع همراهی عراق با تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران و اظهارات ناصحیح و غیرحقوقی برخی نمایندگان مجلس عراق مبنی بر اینکه ایران باید به عراق خسارت دهد، نشان می‌دهد که دیگر وقت آن رسیده که مطالباتمان را در خصوص خسارات جنگ تحمیلی از عراقی‌ها، دریافت نماییم و به خواسته به حق مردم، جامعه‌ایثارگران و جانبازان و رزمندگان جنگ تحمیلی جامعه عمل بپوشانیم.

منابع و مراجع

- [۱] پارسا دوست، منوچهر (۱۳۷۶) نقش سازمان ملل در جنگ عراق و اسیران، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار
- [۲] جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۷) کانون‌های بحران در خلیج فارس، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات کیهان
- [۳] ساعد، نادر (۱۳۸۳) بازگروهی جنگ تحمیلی و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در پرتو موازین حقوق بین‌الملل، فصلنامه دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۷
- [۴] زمانی، سید قاسم (۱۳۹۷) تاملی بر مواضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران و کویت، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۲۰ و ۲۱
- [۵] لاریجانی، محمد جواد (۱۳۶۹) تحرک بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ تحمیلی، گزارش سمینار ۸ تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل
- [۶] قاضی، سید سعید (۱۳۷۶) زندگینامه دبیر کل‌های ملل متحد، فعالیت‌های سیاسی آن‌ها، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶
- [۷] متن نامه‌های مبادله شده بین‌روسای جمهور دولت ایران و عراق، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- [۸] مختاری، مجید (۱۳۶۹) تصویب قطعنامه ۵۹۸ و اسناد آن در سازمان ملل متحد، ۱۳۸۰، تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌الملل
- [۹] مصفا، نسرين (۱۳۶۹) تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌الملل
- [۱۰] ممتاز، جمشید (۱۳۷۹) ایران و حقوق بین‌الملل، با همکاری امیرحسین رنجبران، ۱۳۷۹، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر
- [۱۱] هیوم، کامرون (۱۳۷۹) سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی، عرفی پایت، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل